

معلم خلاق کریم

به یاد شادروان استاد احمد احمدی بیرجندی

جعفر ربانی / تصویرگر: مرتضی یزدانی

سیدمحمد فرزاد بود که این شاگرد از او چنین یاد کرده است:

«من از مرحوم سیدمحمد فرزاد که در سال ۱۳۱۹ رئیس دبیرستان بیرجند بودند و چند درس از دروس ادبی ما را بر عهده داشتند، چه از لحاظ درسی و چه از لحاظ اخلاقی و تربیتی، تأثیر پذیرفته‌ام. مرحوم فرزاد به نظر من یک نمونه و اسوه به تمام معنا برای تربیت ما بود... گاهی ما را تا دو ساعت در سر کلاس نگه می‌داشتند و ما چنان با بیانات ایشان گرم می‌شدیم که اصلاً گذشت زمان را احساس نمی‌کردیم.»

درباره خود شادروان احمدی نیز شاگردان و دوستان او از همین نوع سخن گفته‌اند. از جمله استاد محمدمهدی ناصح، استاد دانشگاه فردوسی مشهد، گفته است: «نام استاد احمدی برای آشنایان وی ادب نفس و خلق کریم و دین‌باوری و سلامت نفس را تداعی می‌کند. او معلمی به تمام معنا نمونه و الگو و در معنی اتم آن معلم بود.»

باری، احمدی بیرجندی در مشهد که بود به توصیه دو تن از دوستانش که هر یک معلمانی صاحب نام بودند، یعنی دکتر حسین رزمجو [که در همین چند ماه اخیر در گذشت] و دکتر عباس سعیدی [استاد فقید دانشگاه فردوسی] به‌عنوان مدرس، به دانشسرای مقدماتی و سپس دانشسرای راهنمایی تحصیلی مشهد رفت و به تدریس ادامه داد.

او سال‌ها در این خدمت باقی بود تا در سال ۱۳۵۶ بازنشسته شد. البته هیچ‌گاه بی‌کار نماند و از آن پس به گونه‌ای دیگر به آموزش و تعلیم پرداخت.

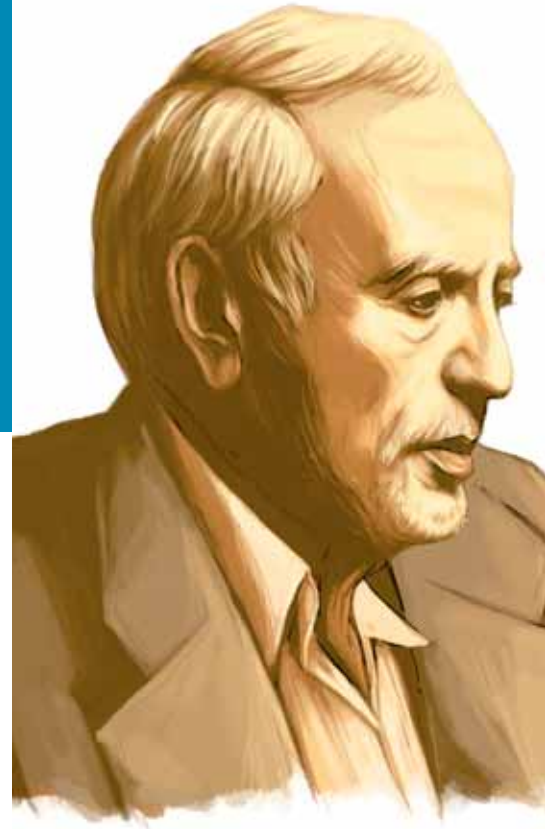
معلم دانشجو

شادروان استاد احمد احمدی بیرجندی از نوادر معلمان خراسان و بلکه ایران بود. وی در واقع یکی از ده‌ها چهره شاخص آموزشی - فرهنگی است که در عصر حاضر از فرهنگ شهر بیرجند برخاسته‌اند. این معلم بزرگ در سال ۱۳۰۳ در بیرجند، در روستای اناران، در خانواده‌ای روحانی متولد شد. پس از طی تحصیلات ابتدایی، به دبیرستان شوکتیه رفت و پس از گذراندن دوره اول متوسطه وارد دانشسرای مقدماتی شد و از سال ۱۳۲۲ با استخدام در آموزش و پرورش معلمی را آغاز کرد. عشق به ادامه تحصیل، چند سال بعد احمدی را به تهران کشاند و او در تهران در رشته زبان و ادبیات فرانسه مدرک لیسانس گرفت. از استادان او در این سال‌ها باید از محمد معین، پرویز خانلری، سیدمحمد فرزاد و مهدی الهی قمشه‌ای نام برد. پس از دریافت لیسانس به بیرجند بازگشت و چهارده سال در شهر زادگاهش خدمت کرد که پنج سال آن را مدیر دانشسرای مقدماتی بود. احمدی در شهریور ۴۰، به قصد اقامت در مشهد و هم‌جواری با آستان مقدس امام رضا(ع) خود را به این شهر انتقال داد و در دبیرستان «فیوضات» به تدریس ادبیات و فلسفه و روان‌شناسی مشغول شد، زیرا تدریس زبان فرانسه در مدارس رو به افول گذاشته بود و چندان نیازی به معلم فرانسه نبود.

احمدی بیرجندی در دو عرصه آموزش و قلم، یا معلمی و نویسندگی، به اشتغال رسید. در معلمی، وی پرورده معلمان و استادانی بود که خود از معلمان بزرگ بودند. یکی از آنان



ویژگی بارز و برجسته احمدی بیرجندی اعتقاد صحیح و صمیمانه و در عین حال روشن‌گرانه او به اسلام بود. از این رو او بیش از اینکه یک «معلم» باشد و تنها به «یاد دادن» بیندیشد، «مربی» بود و به «ساختن و پروردن» می‌اندیشید و عمل می‌کرد



✕ احمدی، معلم مربی ✕

ویژگی بارز و برجسته احمدی بیرجندی اعتقاد صحیح و صمیمانه و در عین حال روشنگرانه او به اسلام بود. از این رو او بیش از اینکه یک «معلم» باشد و تنها به «یاد دادن» بیندیشد، «مربی» بود و به «ساختن و پروردن» می‌اندیشید و عمل می‌کرد به همین جهت کوشید کتاب‌هایی نیز تألیف کند که در تهذیب و تربیت نوجوانان مؤثر باشد: وی در گفت‌وگو با مجله رشد ادب فارسی اظهار داشته است: «من به علت انسی که با مذهب داشتیم از همان اوایل متوجه نقطه‌ضعفی شدم و آن اینکه نوجوانان و جوانان ما کتاب مناسب برای مطالعه ندارند... در آن دوره جز معدودی افراد، کسی به فکر جوان‌ها نبود... آن موقع فکر کردم که تعدادی کتاب‌های مذهبی برای جوانان و نوجوانان بنویسم» از جمله کتاب‌هایی که احمدی در این زمینه نوشت باید به اسلام راه روشن، سیمای تابناک علی (ع) و دانای راز (درباره اقبال لاهوری) اشاره کنیم.

شادروان احمد احمدی بیرجندی، تا آخرین ماه‌های عمر از پاننشست و خدمت کرد. او از سال ۱۳۶۲ تا ۶۹ مدیر کتابخانه‌های جامع گوهرشاد در مشهد بود و سپس تا آخرین روزهای عمر، در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی به خدمت اشتغال داشت. و سرانجام به علت سکته مغزی در آذرماه ۱۳۷۷ درگذشت.

✕ احمدی نویسنده ✕

اما در عرصه قلم؛ احمدی بیرجندی در این عرصه کارنامه‌ای درخشان از خود به جا گذاشت. اولین اثر او کتابی بود به نام «زندگی و افکار ولتر» که در سال‌های اول دهه ۳۰ چاپ شد. با این کار قلم او به کار افتاد و از آن پس در سال‌های پیاپی، پیوسته اثر تازه‌ای منتشر می‌کرد، ضمن اینکه با روزنامه‌هایی چون خراسان و آفتاب شرق در مشهد و مجلات یغما، سخن، راهنمای کتاب و آموزش و پرورش در تهران همکاری داشت.

احمدی همواره دغدغه درست‌نویسی و انشا را داشت، از این رو چندین کتاب در این زمینه داشت از آن جمله است «برگزیده نثر فارسی» و «سیر سخن» - در دو جلد نظم و نثر - که با همکاری دکتر حسین رزمجو تألیف کرد، و دیگری «انشا و نویسندگی» که به تنهایی نوشت.

✕ تألیفات ✕

از احمد احمدی بیرجندی ۳۸ کتاب، ۶۰ مقاله، ۶ ترجمه و ۱۴ نقد و نظر باقی مانده است که به تعدادی از آن‌ها در بالا اشاره کردیم. اکنون برای نمونه، تعداد دیگری را نیز نام می‌بریم:

۱. کتاب‌ها: آموزش و پرورش در شاهنامه (۱۳۵۷)، بحثی در دستور زبان فارسی (۱۳۷۰)، پند و عبرت (۱۳۷۴)، دانه و پیمانانه، داستان‌هایی از عارفان بزرگ سنایی، عطار، مولوی، سعدی (۱۳۵۷).
۲. مقالات: ابن‌حسام خوسفی، شاعری حقایق‌شناس اما ناشناس (کیهان فرهنگی، ۱۳۶۴)، اقبال لاهوری و قرآن (مجله بشارت، ۱۳۷۶)، بیرجند شهر ما (نشریه بینالود، ۱۳۷۲)، سفرنامه‌ها درباره بیرجند چه نوشته‌اند؟ (مجله خاوران، ۱۳۶۹)، شیخ هادی هادوی بیرجندی (یغما)

* منابع تدوین این مقاله

۱. سکه صاحب عیار، گفت‌وگوهایی با برخی از استادان ادب فارسی، به کوشش جعفر ربانی، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۷.
۲. مقاله «استاد احمد احمدی بیرجندی»، دکتر حسن ذوالفقاری، مجله رشد ادب فارسی، ۱۳۷۰.
۳. مقاله «دین‌باوری استاد احمد احمدی»، دکتر محمدمهدی ناصح، کتاب ماه ادبیات، آذر، ۱۳۷۷.
۴. گفت‌وگو با احمد احمدی بیرجندی، رشد ادب فارسی، سال اول، ۱۳۶۴.
۵. مقاله «استاد احمد احمدی بیرجندی»، به قلم احمد آخوندی، در وبلاگ ناران‌نیوز.

